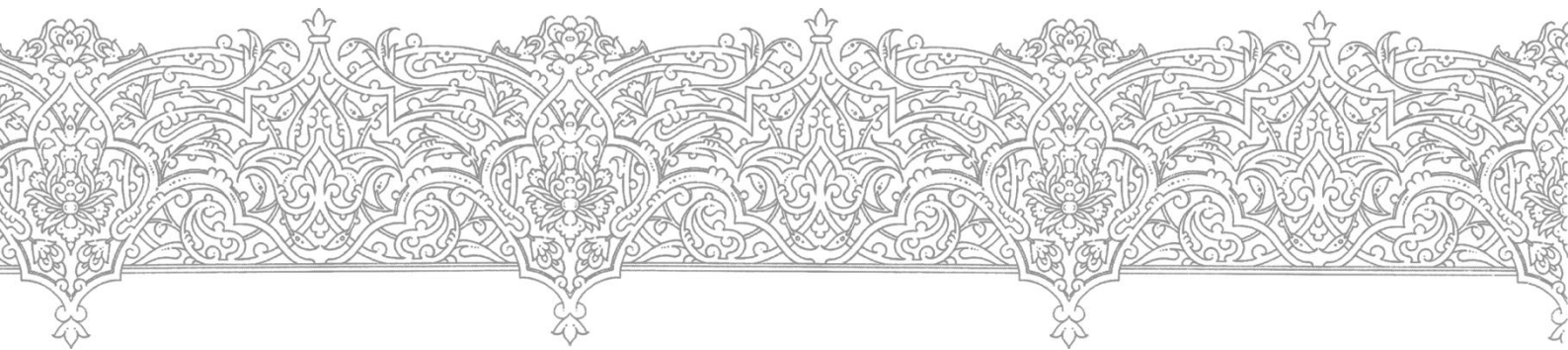
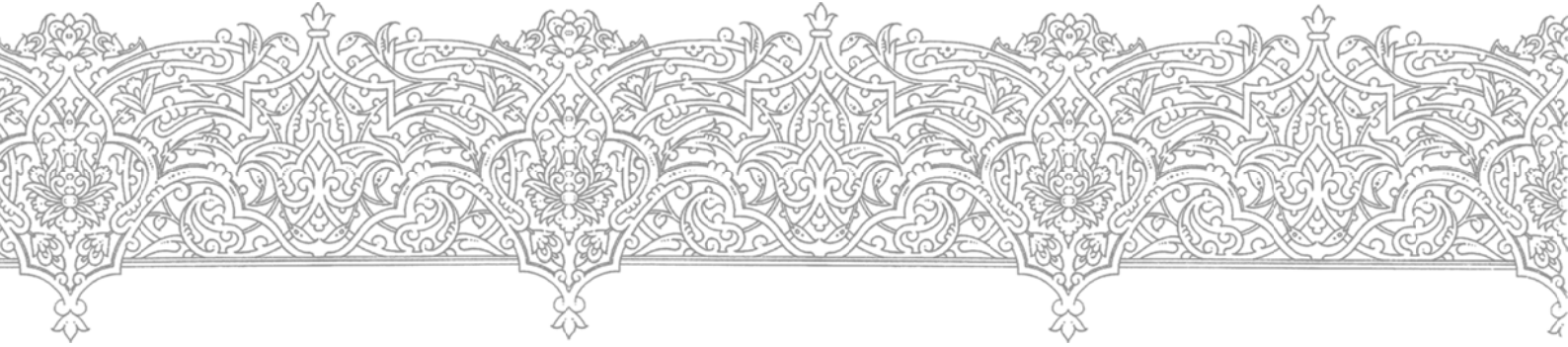




واکاوی ریشه‌های بحران ساز عربستان





المجمع الدولي للأمم المتحدة
INTERNATIONAL UNION OF UNIFIED UMMAH
اتحاديه بين المللى امت واحده

واحد فرهنگى و آموزش

اتحاديه بين المللى امت واحده

٠٢١-٦٦٤٨٤٦٧٥

www.unified-ummah.com



بدو حاکمیت بر عربستان به‌وجود آمد که در آن، جریان وهابیت به رهبری خاندان «آل شیخ» سلطه‌ی دینی و جریان «آل سعود و فرزندان» تاکنون سلطه‌ی سیاسی را برعهده داشته‌اند.

آل شیخ هم اکنون نیز سلطه‌ی مذهبی را در شبه جزیره برعهده دارد که شامل مساجد، حرمین شریفین، هیأت امر به معروف و نهی از منکر، سازمان‌ها و مؤسسه‌های فرهنگی و مذهبی می‌شود.

مسایل سیاسی هم در اختیار آل سعود است. این دو جریان اگرچه درباره‌ی تقسیم قدرت توافق کردند اما یک تضاد و تعارض در بین آن‌ها وجود داشته و دارد که بحث بسیار مفصلی است. همچنین در درون خاندان آل سعود اختلافات حکومتی از گذشته وجود داشته است. در واقع در این رابطه دو جریان وجود دارد؛ یک جریان شامل هفت پسر سدیری‌های می‌شود. (السدیریون السبعه یا عشیره السدیری، اصطلاحاً به هفت برادر تنی گفته می‌شود که همه از فرزندان ملک عبدالعزیز آل سعود، پادشاه عربستان و همسر او حصه سدیری هستند.) این هفت تن به نام «آل فهد» هم مشهوراند. این گروه با گروه نجدی‌ها در رقابت شدیدی هستند و هم اکنون این رقابت در جانشینی ملک عبدالله تجلی پیدا کرده است. از زمان به پادشاهی رسیدن ملک فهد در سال ۱۹۸۲ میلادی، هفت سدیری تبدیل به

با شروع خیزش‌های اسلامی در منطقه و شمال آفریقا که رژیم‌های دیکتاتوری عربی را یکی پس از دیگری دست‌خوش تغییر و تحولات اساسی و بنیادین کرده است، یکی از سؤالاتی که همواره ذهن تحلیل‌گران سیاسی و افکار عمومی منطقه و جهان را به خود معطوف کرده این مطلب است که اساساً آیا رژیم دیکتاتوری «آل سعود» در عربستان نیز سرنگون خواهد شد؟

با گذشت بیش از چهار ماه از شروع قیام‌ملت‌های عربی و دخالت‌هایی که عربستان‌سعودی به‌خصوص در اشغال نظامی بحرین و سرکوب وحشیانه‌ی شیعیان این کشور مرتکب شده به نظر می‌رسد، رژیم مستبد و دیکتاتور آل سعود تا حدودی «زمان سقوط» خود را به جلو انداخته است. در این میان آنچه قابل توجه است شناخت نقاط آسیب پذیر رژیم سعودی است که می‌تواند زمینه‌های سقوط آن را فراهم آورد.

۱- کشمکش داخلی بر سر تصاحب قدرت کارشناسان و تحلیل‌گران سیاسی با اشاره به رقابت تنگاتنگ و شدید میان شاهزادگان بی‌شمار سعودی برای تصاحب قدرت، دورنمای مسأله‌ی جانشینی پادشاه کنونی عربستان (ملک عبدالله) را در این کشور، مبهم ارزیابی می‌کنند.

برای تسلط بر این سرزمین، پیمان‌ها و توافق‌های پنهانی با انگلیس در رویارویی با حکومت عثمانی صورت گرفت. پس از آن توافقی بین دو جریان از



شاهزاده هر کدام در یک ائتلافی در برابر یک ائتلاف دیگر قرار گرفته‌اند. در واقع این شاهزاده‌ها همه مدعی هستند که اگر قدرت اول را نگیرند، قدرت دوم و سوم را در دست داشته باشند.

انتخاب شاهزاده «متعب» (فرزند سوم ملک عبدالله) توسط ملک عبدالله به عنوان رئیس گارد ملی و عضو ارشد حکومتی سبب شد ناظران سیاست‌آکید کنند که هم‌چنان رقابت بر سر قدرت در عربستان وجود دارد و ویمی‌خواهد «متعب» را به جای خود بنشانند. در این میان باید یادآور شد که مسأله‌ی انتخاب شاهزاده متعب به عنوان رئیس گارد ملی که نهادی حکومتی نظامی و بسیار تأثیرگذار است سبب ایجاد شبهاتی شده است. لازم به ذکر است که گارد ملی عربستان حداقل ۱۳۰ هزار نیروی تمام حرفه‌ای دارد و این گارد مسئولیتش حفظ رژیم است و انتخاب متعب نشان می‌دهد که ملک عبدالله اقدامی پیشگیرانه انجام داده تا قدرت در نسل او باقی بماند.

گزینه‌ی آمریکا برای جانشینی ملک عبدالله بازگشت ناگهانی چندی پیش «بندر بن سلطان» به ریاض که از سه سال پیش با سرطان دست و پنجه نرم می‌کند اوراق بازی جانشینی ملک عبدالله را در عربستان به هم ریخت. این مسأله سبب گردید تحلیل‌ها و برداشت‌های سیاسی‌کمی تغییر کند البته درون هیأت حاکمه‌ی عربستان

نیرومندترین ائتلاف در خاندان حاکم سعودی‌ها شده‌اند.

سُدی‌ها شامل :

۱- ملک فهد بن عبدالعزيز، پنجمین پادشاه عربستان؛

۲- امیر سلطان بن عبدالعزيز، ولیعهد کنونی و وزیر دفاع؛

۳- امیر نایف بن عبدالعزيز، وزیر کشور؛

۴- امیر عبدالرحمن بن عبدالعزيز، نایب‌وزیر دفاع؛

۵- امیر ترکی بن عبدالعزيز؛

۶- امیر سلمان بن عبدالعزيز، امیر ریاض؛

۷- امیر احمد بن عبدالعزيز، نایب وزیر کشور.

در عربستان جابه‌جایی قدرت همیشه بر موازین قانونی نبوده و همین مسأله باعث شده این اختلافات زمینه‌ی بروز پیدا کند. بر همین اساس بود که ملک عبدالله برای جبران خلاء قدرت پس از مرگش، شورایی به نام «شورای بیعت» تعیین کرد. این شورا خود محل اختلاف است. چون ملک عبدالله ریاست آن را بر عهده‌ی برادر ناتنی خود یعنی «شاهزاده مشعل» نهاد. مشعل، فردی تاجرمش است و از فهم و درک سیاسی برخوردار نیست؛ به همین دلیل بسیاری از شاهزادگان به این مسأله اعتراض دارند.

بر اساس برآوردها، تعداد شاهزاده‌ها در عربستان به علت تکاثر نسل‌ها به ۶ هزار شاهزاده رسیده که از سه نسل مختلف هستند و این ۶ هزار



واکاوای ریشه‌های بحران ساز عربستان

International Union of Unified Ummah

طلب و مدرن وجود دارد که مسأله‌ی قابل توجهی است. در این میان بندر بن سلطان سر دسته‌ی غرب زده‌های اصلاح طلب است و در مقابل، نوادگان ملک فهد (پادشاه قبلی) از محافظه کاران سنتی محسوب می‌شوند. این رقابت میان این دو جریان هم اکنون شدت یافته‌که آن را از چندجهت می‌توان، تحلیل نمود .

با وجود این‌که بندر مهره‌ی سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) به شمار می‌رود اما بر اساس عرف حاکم چون فرزند یک زن برده بوده است هرگز شانس برای پادشاه شدن ندارد. در واقع شانس بندر برای رسیدن به پادشاهی صفر است اما وی هم اکنون با توجه به ارتباطاتی که با واشنگتن دارد تأثیرگذارترین فرد در عربستان سعودی است که می‌تواند حکومت را برای پدرش سلطان، (ولیعهد فعلی) حفظ کند .

در بین اعراب جاهلی این رسم وجود داشته که اگر زنی چند بار پی در پی دختر به دنیا می‌آورد، شوهر وییکی از کنیزان را به همسریمی گرفته تا پسر داشته باشد. بندر نیز به این شیوه متولد شده است. بر این اساس، خاندان پادشاهی آل سعود بندر را شاهزاده‌ی حقیقینمی‌داند و روی او به عنوان پادشاه نمی‌شود، حسابی باز کرد .

مجموع این مسایل باعث گردیده که اول؛ غرب و آمریکا در قبال خلاء احتمالی قدرت در عربستان دچار نگرانی شوند و دوم؛ یکی از مهم‌ترین‌آسیب‌ها

رقابت‌های مختلفی وجود دارد. «بندر» فرزند «سلطان» (ولیعهد فعلی) است. وی ۲۲ سال در دستگاه دیپلماسی عربستان مشغول به کار بود که بیش‌تر این مدت را در آمریکا به عنوان سفیر مشغول به فعالیت بوده است. وی ارتباطات تنگاتنگی با سرویس‌های اطلاعاتی غرب به ویژه سازمان «سیا» دارد. بندر مدتی پیش پس از پایان مأموریتش به عنوان سفیر در آمریکا به عربستان بازگشت، در آن زمان اعلام شد که وی قصد کودتا داشته است. پس از آن مورد غضب قرار گرفت و دور رانده شد .

بندریس از سفر سال گذشته‌ی ملک عبدالله به آمریکا برای درمان، دوباره به ریاض بازگشت. این مسایل سبب شد بحث و ابهامات درباره‌ی مسأله‌ی جابجایی قدرت در عربستان، جدی شود. آمریکا روی بندر برای پادشاهی در عربستان نظر مثبتی دارد تا پس از ملک عبدالله به تخت حکومت، تکیه زند. در حال حاضر می‌توان گفت عربستان کشوری با چهار پادشاه است؛ یکی از آن‌ها «ملک عبدالله» است، دیگری ولیعهد وی «سلطان»، سومی شاهزاده «سلمان» (امیر ریاض) و چهارمی «بندر» است. بنابراین همان‌طور که گفته شده اختلاف‌پایه‌ای میان سدیری‌ها و نجدی‌ها در مسأله‌ی قدرت در عربستان وجود دارد، علاوه بر این اختلاف گرایشی دیگری نیز بین محافظه کاران سنتی و غرب زده‌های اصلاح



منافع انگلیسی‌ها در منطقه شامل منابع نفتی و کشتیرانی در دریای سرخ حفاظت کند؛ به طور کلی برایند جنگ جهانی اول را می‌توان تشکیل دولت آل سعود و برایند جنگ جهانی دوم را می‌توان تأسیس رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ میلادی، دانست .

یکی از ویژگی‌های حکومت سنتی آل سعود این است که هرگز اجازه‌ی شکل‌گیری یک جریان اپوزیسیون قدرتمند را حتی در خارج از این کشور نمی‌دهد. «ناصر السعید» از شخصیت‌های متفکر و مخالف سعودی بود. وی در دهه‌ی ۷۰ میلادی شبکه‌ای رادیویی را به راه انداخت و در کتابی با عنوان «تاریخ آل سعود» از برخی جنایات و فساد موجود در این رژیم پرده برداشت. مقام‌های سعودی با پرداخت یک میلیون دلار به برخی مزدوران خود در لبنان، این شخصیت مخالف را ربودند و به عربستان انتقال داده و در حوض اسید انداخته و او را ذوب کردند. هم اکنون هم در پی ترور برخی از مخالفان رژیم هستند که برخی از آن‌ها در لندن به سر می‌برند .

بنابراین همین ساختار سنتی فرسوده که با هیچ‌کدام از اصول شناخته شده‌ی امروزی اداره‌ی حکومت سازگاری و مطابقت ندارد خود نقطه‌ی آسیب پذیر مهمی جهت سقوط رژیم آل سعود است .

۳- فساد خاندان آل سعود

به عنوان پاشنه‌ی آشیل سقوط رژیم سعودی برای همگان روشن شود .

۲- ساختار سنتی غرب‌گرا

عربستان سعودی دارای یکی از عجیب ترین نظام‌های دنیا است. در واقع رژیم آل سعود برایند یک سلسله تحولات ناشی از جنگ جهانی اول بود. در این جنگ قدرت‌های جهانی، انگلیس و فرانسه بودند که غنایم و قدرت را در منطقه تقسیم کردند. در آن زمان آمریکا قدرتی نداشت. در دوران پس از جنگ جهانی اول دو اتفاق روی داد؛ یکی پیمان «بالفور» در زمینه تأسیس رژیم صهیونیستی و دیگری طرح «سایکس-پیکو» بود که به موجب آن خاورمیانه میان انگلیس و فرانسه تقسیم گردید. البته یکی دیگر از موانعی که انگلیسی‌ها در راستای تشکیل کشور یهودی با آن برخورد کردند، مخالفت شیعیان بود. بر همین اساس نظام آل سعود بنیان نهاده شد، یک نظام با تفکرات کاملاً ضد شیعیکه درست در اختیار غربی‌ها باشد. در نهایت رژیم آل سعود با رهبری «ملک عبدالعزیز» در شبه جزیره‌ی عربستان حکمرانی را آغاز کرد و از همان ابتدا موافقت خود را با تشکیل دولت یهودی در فلسطین اعلام نمود. این اتفاق باعث گردید انگلیسی‌ها با یک تیر، دو نشان بزنند، هم شیعیان را محدود کنند و هم این‌که نظامی‌قبیله‌ای و خشونت طلب را بر سر قدرت بیاورند که از



مسجدالحرام را به تصرف خود در آوردند. در سال ۱۹۹۱ میلادی (۱۳۷۰ ه.ش) به دنبال افزایش حضور آمریکایی‌ها در خلیج فارس و عربستان، ۷۰۰ نفر از علمای وهابی به رهبری «عبدالعزیز بن باز» مفتی بزرگ عربستان بیانیه‌ای عمومی صادر کردند که با انتقاد از سیاست‌ها و رویه‌های دولتی، اعلام نمودند که خواهان اجرای کامل اصول سلفی‌گری هستند. اقدام‌های این چینی از سوی وهابیون افراطی تفاوت فاحش دیدگاه آنان را با رهبران ریاض هویدا ساخته و چالشی آشکار را در برابر خاندان آل سعود به وجود آورده است. علاوه بر این به رغم حمایت‌های پیشین ریاض از تشکیل گروه‌های شبکه‌ای چون «القاعده» تهدیدهای ناشی از فعالیت این گروه‌ها هم اکنون دامن‌گیر رهبران سعودی شده است. لازم به ذکر است که با همه‌ی این تفاسیر آل سعود و وهابیت هم اکنون مؤسسه‌ها و نهادهای مذهبی و تأثیرگذار در سطح جهان دارد که با تشیع رقابت می‌کنند. این فعالیت‌ها در جهان توسط مؤسسه‌ای به نام «رابطة العالم الاسلامی» هدایت می‌شود که مؤسسه‌ای تبلیغی فرهنگی است. هم‌چنین کمیته‌ای نظیر شورای عالی علما (هیأت کبار العلماء) وجود دارد که در صدور فتوای تکفیری علیه تشیع نقش دارند. اعضای این شورا از وهابی‌های سرسخت هستند. وزارت حج عربستان، مؤسسه‌های انتشاراتی، مطبوعات،

قدرت مالی و ثروت نفتی هنگفت شاهزاده‌های سعودی تضادی اساسی را با مردم این کشور ایجاد کرده است. شاهزادگان در رفاه، ثروت و فساد غرق شده‌اند و از طرفی مردم عادی‌کنتراً زندگی سختی را می‌گذرانند. به ویژه در این میان وضعیت اقلیت‌ها شامل شیعیان، اسماعیلی‌ها، زیدی‌ها و حتی بعضی از عشایر بدتر است. خیلی از این شاهزاده‌ها هم اکنون در عربستان حضور فیزیکی ندارند، اما در بسیاری از کشورهای جهان سرمایه‌گذاری‌های گسترده داشته‌اند. ۵۰ درصد از درآمدهای نفتی بین همین ۶ هزار شاهزاده تقسیم می‌شود. هم‌چنین ۷۰۰ میلیارد دلار از سرمایه‌های بورس «وال استریت»، بزرگ‌ترین بورس جهان در اختیار شاهزاده‌های سعودی است. آنان ثروت‌های مردم عربستان را می‌بلعند و بدترین ستم‌ها را بر مردم به ویژه شیعیان در القطیف، الاحساء و ... روا می‌دارند.

۴- پیوند آل سعود با وهابیت و سلفی‌گری پایه‌ریزی حکومت آل سعود بر مبنای اتحاد با جنبش‌های سلفی‌گری و وهابیت، خود مبنایی برای بروز تنش‌ها و بحران‌هایی بود که اکنون ریشه‌های حکومت سعودی را هدف قرار داده است. در نوامبر ۱۹۷۰ میلادی (آبان ۱۳۵۸ ه.ش) وهابیان افراطی که حاکمان ریاض را مرتد دانسته و خواستار بازگشت به اصول، سنت‌ها و ارزش‌های دینی بودند، با غلبه بر نیروهای امنیتی سعودی،



واکاوای ریشه‌های بحران ساز عربستان

International Union of Unified Ummah

برای این تغییر ساختار در حکومت آل سعود باقی مانده باشد.» مارتین ایندایک توضیح می‌دهد حکومت کنونی عربستان، بر گرفته از مدل حکومت‌های استبدادی قرن ۱۵ میلادی است که نمی‌تواند در قرن ۲۱ شانس دوام داشته باشد و در مواجهه با خیزش‌های امروز خاورمیانه، به طور کامل از بین خواهد رفت.

سفیر سابق آمریکا در اسرائیل در ادامه‌ی تحلیل خود از شرایط شکننده و روبه زوال آل سعود می‌نویسد: «بسته‌یکم‌های مالی به ارزش ۱۰۰ میلیارد دلار و تعهد ایجاد ۶۰ هزار فرصت شغلی که ملک عبدالله وعده داده است، نمی‌تواند از فروش مردم و به خصوص جوانان عربستان علیه آل سعود جلوگیری کند» و می‌افزاید: «مردم، این مبلغ را فقط بخشی از مطالبات خود می‌دانند که تاکنون از آنان دریغ شده است» و می‌نویسد: «جاذبه‌ی استقلال و آزادی سیاسی که از آن سوی مرزها و امروز از ایران پمپاژ می‌شود و به وسیله‌ی اینترنت و تلویزیون‌های کابلی در میان شهروندان عربستان منتشر می‌شود، چیزی نیست که ملک عبدالله بتواند با پرداخت رشوه‌ی مالی و اختناق پلیسی مانع گسترش آن شود.»

در یکی از اسناد منتشر شده‌ی «ویکی لیکس» به ملاقات سرّی «مئیر داگان» - رییس وقت سازمان موساد- با «نیکلاس برنز» معاون وقت وزارت خارجه‌ی آمریکا در سال ۲۰۰۷ میلادی

خبرگزاری‌ها، مؤسسه‌ای به نام هیأت اغاثه عالمیه، مجلس الشورا لدعوه و الارشاد، مجلس العالمی لشوؤن اسلامیة، مجمع الفقه العالمی از زیر مجموعه‌های رابطه‌ی عالم اسلامی هستند که همگی در خدمت نشر وهابیت قرار دارند.

هم اکنون اهل سنت غیر وهابی اکثریتی خاموش در عربستان هستند که به آنان در مناصب و پست‌های حکومتی توجیه‌نی‌شود. اهل سنت غیر وهابی مخالف اندیشه‌های وهابی هستند و با وجود داشتن شخصیت‌های متفکر و تحصیل کرده هیچ توجهی به آنان نمی‌شود این‌ها از رژیم ۸۰ ساله‌ی آل سعود، خشم دارند.

«مارتین ایندایک»، سفیر سابق آمریکا در اسرائیل و مدیر بخش خارجی مؤسسه‌ی «بروکینگز» طی یادداشتی در روزنامه‌ی «واشنگتن پست» - ۷ آوریل / ۱۸ فروردین- به فهرستی از نقاط آسیب پادشاهی آل سعود اشاره کرده و به گونه‌ای تلویحی، ادامه‌ی حاکمیت این خاندان در شبه جزیره عربستان را ناممکن ارزیابی می‌کند. «ایندایک» که نظرات وی در میان دولت‌مردان آمریکا از اعتبار بالایی برخوردار است، تنها راه پیش پای آمریکا برای حفظ حاکمیت آل سعود را تبدیل «پادشاهی مطلقه» به «مشروطه‌ی سلطنتی» می‌داند ولی بلافاصله می‌افزاید «با توجه به امواج بلند سونامی اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا، بعید به نظر می‌رسد که فرصتی



واکاوای ریشه‌های بحران ساز عربستان

International Union of Unified Ummah

کرده و با برجای نهادن بسیاری از ادوات نظامی خود- حداقل ۷ تانک و دو فروند بالگرد و انبوهی از تجهیزات و تسلیحات فردی نظامیان سعودی - مجبور به عقب نشینی شد. با توجه بهامواج بلند سونامی اسلامی که منطقه را فرا گرفته و هر روز بر دامنه و بلندای آن افزوده می‌شود، به آسانی می‌توان نتیجه گرفت که پادشاهان آل سعود با لشکرکشی به بحرین و قتل عام مردم بی دفاع آن دست به خودکشی زده‌اند و سقوط حتمی خود را جلو انداخته‌اند .

مطلب را با بخشی از مقاله‌ی «معتز فیصل» نویسنده و تحلیل‌گر برجسته‌ی مسایل جهان عرب با عنوان «عربستان و ممنوعیت تظاهرات» خاتمه می‌دهیم که نوشت: «رژیم سعودی نمی‌خواهد از بحرین، عمان و یمن و از کل تاریخ درس عبرت بگیرد لذا هیچ گریزی جز فروپاشی و سقوط آن نیست؛ حتی اگر بسیاری فکر کنند که این کار امروز، بعید به نظر می‌رسد. این امر نزدیک‌تر از آن چیزی است که همگان فکر می‌کنند و وضعیت نظیر سایر کشورهای عربی منتظر یک جرقه است و حکام عرب به امکان خاموش کردن و جلوگیری از آن قبل از آغازش دل بسته‌اند درحالی که آن‌ها در توهم به سر می‌برند زیرا چه کسی می‌تواند همه‌ی گاری‌های سبزی فروشی را در کشورش کنترل کند؟ چه کسی می‌تواند همه‌ی صفحه‌های اینترنت را زیر نظر بگیرد؟ چه کسی

اشاره شده است. این ملاقات هم‌زمان با فروش ۶۳ میلیارد دلار تسلیحات نظامی از سوی آمریکا به عربستان سعودی صورت گرفته و موضوع آن رایی با اسرائیل و ارزیابی پی‌آمدهای فروش تسلیحات یاد شده به عربستان است. در این ملاقات، مئیر داگان به وزارت خارجه‌ی آمریکا اطمینان می‌دهد که از فروش تسلیحات نظامی به عربستان نگران نیست و در توضیح نظر خود می‌گوید: آل سعود، متحد منطقه‌ایما هستند ضمن آن که توان و مهارت‌های لازم برای استفاده از سلاح‌های مدرن را ندارند و این تسلیحات در اختیار مستشاران و نظامیان آمریکایی باقی می‌ماند. رئیس وقت موساد در این ملاقات به نکته‌ای اشاره می‌کند که با توجه به تهدید اخیر عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران و حضور جنایتکارانه‌ی ارتش این کشور در بحرین، نکته‌ای شنیدنی است. داگان می‌گوید: «توان ارتش عربستان فقط در حد و اندازه‌ی مقابله با یک قبیله‌ی بدون سلاح عرب است و اساساً قدرت تقابل با یک ارتش منظم و حتی یک قبیله‌ی عرب مسلح را ندارد.»

گفتنی است که دو سال قبل، ارتش آل سعود با تجهیزات کامل زمینی و هوایی برای کمک به «علی عبدالله صالح» در سرکوب انقلابیون جنوب یمن- الحوثی‌ها- وارد یمن شد ولی در فاصله‌ای بسیار کوتاه، شکست سخت و سنگینی را تحمل



می‌تواند اندیشه‌ی همه‌ی جوانان عرب را کنترل کند؟ چه کسی می‌تواند نسیم حاوی اخبار از سراسر جهان را محبوس کند و قبل از همه‌ی این‌ها، چه کسی می‌تواند بین خداوند متعال و ندای مظلوم مانع ایجاد کند؟»